

دو نمونه از مقالات نشریه قانون در باب اسلام سیاسی

زینب شکوری*



مقدمه

نشریه قانون میرزا ملکم خان را می‌توان یکی از نخستین منابع در تاریخ معاصر ایران به شمار آورد که ابعاد اجتماعی و سیاسی دین اسلام را مطرح نموده و از اسلام و شریعت اسلامی به عنوان یک جایگزین محتمل برای وضع موجود در عصر ناصری بهره‌برداری کرده است. میرزا ملکم خان در شماره‌های گوناگون نشریه قانون به این مسأله تأکید و تصریح دارد که ایجاد دیوان‌خانه یا عدالت‌خانه، نگارش و تدوین قانون، تأسیس دارالشورا یا مجلس شورا، همه و همه صرفاً بر پایه دین اسلام امکان‌پذیر است و سینه علما و فقها مخزن قوانین است. مطرح ساختن اسلام به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی که اخیراً آن را «اسلام سیاسی» نامیده‌اند، از ویژگی‌های نشریه قانون می‌باشد که آن را هم در لابلای مطالب متفرقه و هم به صورت مقالات مستقل در قانون درج نموده است. از جمله آن‌ها دو مقاله انتخاب شده است که

هم‌اکنون ملاحظه می‌فرمایید و ما این مقاله‌ها را از شماره نهم و بیستم نشریه قانون نقل می‌کنیم.

همه محتوای شماره نهم قانون را فقط یک مقاله تشکیل می‌دهد، در حالی که شماره‌های دیگر از مطالب متنوع به وجود آمده است. این مقاله تحت عنوان «عریضه آدمیان ایران به آستان مقدس علمای اسلامی» در قانون منتشر شده است. گویا گروهی از مردم ایران که عضو «مجمع آدمیت» بوده‌اند، طی چند جلسه سری که در حضور چهار تن از علما و روحانیون روشنفکر آن زمان داشته‌اند، مطالب مهمی را از زبان آن علما در باب ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام شنیده و شیفته شده‌اند و با شنیدن آن مطالب به آینده خود و کشورشان امیدوار شده‌اند که با توسل به اسلام می‌توان مردم و کشور را از بی‌قانونی، عقب‌ماندگی و هرج و مرج نجات داد. بنابراین، این دسته در راستای فعالیت‌های سیاسی خود خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده در آن جلسات را نوشته و به لندن جهت درج در نشریه قانون فرستاده‌اند تا استفاده‌اش برای همگان برسد. در این مقاله که به احتمال زیاد نگارش خود میرزا ملکم خان می‌باشد و نه یک نامه ارسالی از ایران، از آیات و روایات متعدد در جهت تطبیق آموزه‌های اسلامی با نوگرایی سیاسی و اجتماعی و مظاهر تمدنی، بهره‌برداری شده و متن آن‌ها نیز عیناً نقل گردیده است.

هم‌چنین در شماره بیستم نشریه قانون، نامه سیاسی و دینی مهمی است که گویا از طرف گروهی از مردم ایران خطاب به بزرگ‌ترین مرجع دینی آن عصر یعنی حضرت آیت‌الله میرزا محمدرضا شیرازی صاحب حکم تحریم تنباکو، نوشته شده و در ضمن آن از آن بزرگوار در خواست شده است که با صدور فتوایی مذهبی، «بدون هیچ خون‌ریزی دولت اسلام را از جنگ جانوران ملت خور» بیرون آورده و بنیان دستگاه ظلم را منهدم سازند و طبق «اصول شرع مقدس» بلا تأخیر «یک مجلس دارالشورای کبرای ملی» را ترتیب بدهند.

به هر حال، در این‌جا به ترتیب این دو مقاله یا نامه را جهت آشنایی هر

چه بیشتر خوانندگان «یاد» با مواضع و منشی سیاسی - اسلامی نشریه قانون، عیناً نقل و درج می‌نماییم.

۱. عریضه‌ای به آستان مقدس عموم علمای اسلام

ما جمعی از اولاد ایران به اشاره یک هدایت غیبی به جهت یک مطلب بزرگ با هم متفق شده‌ایم. اتفاق ما الان در زیر یک پرده تفضل الهی کل ایران را فرو گرفته است. و چون این اجماع مسلمین از برای آسایش و سعادت عامه عنقریب نتایج وسیع خواهد داشت برعهده دیانت خود واجب می‌شماریم که به منتهای صفای نیت در پیشگاه معارف پناه کل اولیای اسلام و در حضور عموم طوایف روی زمین اعلام نماییم که ما چه می‌گوییم، چه کرده‌ایم و در این شاهراه اتفاق عازم چه مقصد عالی هستیم.

مبدأ اتفاق ما همان حادثه معظم و همان مصیبت کبرا است که فغان کل ایران بر اطراف عالم منتشر ساخته است. چه احتیاج به تذکار که سپاه ظلم در این خاک سیاه روزگار چه محشری برپا کرده. در این وادی نکبت کدام نقطه‌ایست که قلب علمای اسلام بر سر آن خون گریه نکرده باشد. اساس هستی این مملکت که یک وقتی فخر عالم بود ببینید امروز بر چه قبایح عجیب و بر چه مظالم مهیب گذاشته شده است. ولایات همه ویران، رعیت همه جا فرازی، لشکر آلت رذلت، مدارس همه خراب، سادات ما مردود، علما همه ذلیل، قانون سلطنت منحصر به دل‌خواه جهال دنی، فروش مناصب هراج، حقوق همه در میدان فضاحت، نه اختیار مال نه اطمینان جان، نه مجال حرف، نه امکان حرکت، تمام ایران یک حبس‌خانه فلاکت، در کدام اقلیم کدام گروهی است که به‌قدر خلق امروزه ایران گرفتار اسیری و منکوب مذلت شده باشد.

ولیکن چه ضرور که ما از این دریای تظلم شروح تازه بگوییم. در این جا منظور اصلی ما بیان حال جماعت ماست.

مطلب را باید از سر شروع نماییم

ما یعنی یک دسته از بدبختان ایران که شدايد ديوانيان در يك دايره اتحاد جمع ساخته بود از مشاهده این ظلمت حال ایران و در تحقیق اسباب آن به این مسئله رسیدیم که آیا خلق ایران به‌چه جهت گرفتار این همه مظالم مهیب شده‌اند و آیا رحمت الهی تا کی این

ملت نجیب را اسیر این مذلت غیر طبیعی خواهد گذاشت و اگر امید نجات هست آیا آفتاب حیات کی و از کجا طلوع خواهد کرد.

اوقاتی که غرق این خیالات غمگین و با هزار درد و الم در تدبیر جلای وطن بودیم، نمی‌دانیم از کجا و به چه تفضل الهی چهار نفر ذوات جلیل‌القدر از سلک علمای اسلام و در کسوت عابریین سبیل علی‌العقله وارد مجلس ما شدند. اسم و منزلت این چهار وجود مکرم را نمی‌توانیم در این جا ذکر نماییم. همین قدر می‌دانیم که به محض ورود ایشان بر ذهن و بر قلب ما محقق شد که هر چهار نفر از اصحاب سر و از موالی عالم هدایت بودند. چگونه عرض نماییم که در تحقیق اوضاع ایام چه مسائل دقیق به میان آمد. در ضمن بعضی شروح نورانی به‌طور مخصوص و بیش از هر مطلب این حقیقت بزرگ را بر قلب هر یک از اهل مجلس مثل آفتاب روشن ساختند که سبب همه این مصایب ایران از عدم اجرای قوانین شریعت خدا است و استخلاص این ملک ممکن نخواهد بود مگر با اجرای احکام الهی. وقتی در مقام تحقیق پرسیدیم که احکام شریعت خدا را از کدام خزانه غیب بخواهیم و اجرای آن احکام را به کرامت چه تدبیر در این ملک مقرر نمائیم به یک زبان الهام نشان این‌طور فرمودند.

- اکمل تدابیر و منبع جمیع فیوض هستی در خزانه شریعت اسلام است. ترقی بنی‌آدم در هر نقطه عالم که ظهور بکند لامحاله از پرتو معرفت اسلام است.

لا شرف اعلی من الاسلام.

و حکمت پروردگار هیچ وقت دنیا را از برکت وجود هادیان حقیقت خالی نمی‌گذارد. در همین عصر تاریک در هر گوشه همین ایران یک مشعلی افروخته شده که هر دیده بینا می‌تواند از پرتو آن کسب هزار معرفت نماید. لهذا امروز فلاح ایران عبارت است از اجتماع آن انوار هدایت و آن فیوض حکمت که در وجود فضلالی اسلام متفرق و مخفی مانده‌اند. باید اجله این فضلا و کاملین قوم و اعیان ملک به یک تدبیر ملی در یک شورای کبرا جمع بشوند و باقتضای احکام الهی یعنی بر طبق اصول اسلام حدود سلطنت و حقوق رعیت و شرایط عدالت و اسباب ترقی و لوازم سعادت عامه را به حکم قوانین صریح مشخص فرمایند. و بعد اجرای این قوانین مقدسه را در زیر حمایت پادشاه و به ضمانت وزرای مسئول به دستیاری مجالس مخصوص مقرر و مستدام بسازند.

و شاورهم فی الامر لا صواب مع ترک المشورة .

وقتی حکمت و دقایق مسئله را از برای ما به درستی شکافتند در قلب همه ما یک انبساط فوق العاده ظاهر شد. بدون ترک فرصت به یک شوق وجدانی به اتفاق همدیگر تفصیل و شرایط این طرح را به زبان بسیار واضح نوشتیم و به وسایل مختلف تقدیم حضور همایون شاهنشاهی نمودیم. وزرای دولت عرایض ما را به نهایت تمجید تصدیق فرمودند ولیکن وقتی بنای اجرا به میان آمد به حیرت مشاهده نمودیم که پیشرفت مطلب به کلی منافی رأی ایشان است. پس از چندی در یک مجلس دیگر در حینی که بعضی از ما به فریب وعده‌های وزرا اصرار داشتند که مطلب را در نزد اولیای امور باز به‌طورهای سابق تجدید بکنیم یکی از آن ذوات مکرم که مسن‌تر و از جانب سایرین مورد احترام مخصوص بود به یک زبانی که حلاوت بلیغش هرگز از ذائقه ما محو نخواهد شد این‌طور فرمود:

- بر همه ما روشن است که مراد از مذاکرات این مجلس نیست مگر اجرای قوانین شریعت اسلام و حصول سعادت خلق ایران. لیکن به تأسف مشاهده می‌نمائیم که عموم اهل ایران حتی امثال شما اشخاص بصیر هنوز ملتفت نشده‌اند که چنان مقصود عالی با منظورات وزرای حالیه ابدأ جمع نخواهد شد. این قسم جهال که بدون هیچ استحقاق شخصی فقط به قبول جمیع ننگ‌های دنائت خود را به مسند ریاست می‌رسانند چه طور ممکن است که در مستی اقتدار به جز غضب حقوق و غارت ملک منظوری داشته باشند. و این رسم قدیم به هیچ‌وجه تقصیر شخص وزرا نیست. تقصیر اصلی در عجایب این وضع حکمرانی است که سال‌هاست بر این اقلیم فلک‌زده مستولی شده است. اگر فردا وجود این وزرا معدوم بشود بلاشبهه بر جای آن‌ها بی‌باک‌تر و نالایق‌تر از آن‌چه دیده شده خواهید دید. با این رسم انتخاب وزرا که در این وضع حکمرانی مشاهده می‌نمائید بر مسند ریاست هرگز هیچ وزیری نخواهید یافت که طالب و قابل تغییر این وضع باشد. پس به جهت اجتماع آن مجلس شورای کبریا که ما در طرح خود منبای احیای ایران قرار می‌دهیم جهالت محض خواهد بود که ما از بساط این وزارت به قدر ذره توقع هم‌دستی داشته باشیم. ظهور چنان دستگاه تنظیم یعنی ابتدای نجات این خلق باید لامحاله از خود

این خلق شروع نمایند. و این نکته مثل آفتاب روشن است که از طرف خلق هیچ ملک هیچ قدرتی ظهور نمی‌کند مگر به اتفاق. اتفاق اولین شرط زندگی ملل است. بدون اتفاق هیچ گروهی از ظلمت اسیری هرگز خلاصی نخواهد یافت. پس اگر حقیقه جویای نظام این ملک هستید قبل از هر خیال باید در تدبیر اتفاق این خلق باشید. ابتدای کار و مسئله واحد امروز همین مسئله اتفاق است. وظیفه و مأموریت و دین ما امروز اینست که در ایران آنچه عقل و همت و علم و دولت‌خواهی سراغ داریم بر سر این اتفاق ملی جمع نمائیم. مطلب مسلم. حرف ما تمام.

نمی‌توانیم عرض نمائیم که این کلام پاک با آن دقایقی که بعد بعضی مرشدین دیگر بیان فرمودند در قلب ما چه اثر کرد. حکمت مقصود خوب معلوم بود. اما به جهت حصول چنان مقصود یعنی به جهت ترتیب اتفاق عامه هیچ‌راه معینی به ذهن ما نمی‌رسید. داده‌اند ترتیب یک اتفاق ملی چگونه ممکن خواهد بود. بر سر این مسئله مباحثات مفصل واقع شد. در اغلب ولایات ایران مجالس متعدد تشکیل یافت و از جانب بعضی علمای مشهور طرح‌های گوناگون به موقع مذاکره گذاشته شد. بر سر هیچ‌کدام متفق نشدیم تا این که بعد از چند ماه در یک مجلس خاص که از برای قطع مسئله ترتیب یافته بود و جمعی از کمترین عهد شرف حضور داشتند باز همان پیر روشن رأی که از اول محرک عزم اتفاق شده بود، از روی یک کتابچه که در دست داشت به عبارات دلنشین و به یک صدای روح‌افزا یک طرح تازه بیان فرمود. سادگی مضمون و عمق معانی بیش از آن نمی‌شد که ما شنیدیم. رشته تعلیم و تلقین تا دو روز طول کشید. هر یک از این چهار مرشد در توضیح دقایق یک علم و یک نور تازه ظاهر ساخت. وقتی اصول و فروع طرح به درستی شکافته شد ما اهل مجلس در قبول و تحسین آن یک دل و یک زبان بودیم.

بعد از سه روز در یک مجلس دیگر که شوکت و شرافت آن را نمی‌توانیم به هیچ زبان بیان نمائیم هر یک از ما به یک دستورالعمل جامع و به یک تأیید و ذوق وجدانی که بالاتر از آن متصور نمی‌شد به شرف مأموریت ترویج آدمیت نائل و هر کدامی روانه یکی از ولایات ایران شدیم. لازم نیست عرض نمائیم که در اجرای این مأموریت مقدس چه نوع همت به کار بردیم. عرض لازم و نتیجه موجود این است که الان جمع کثیر از علما و اعیان و ارباب غیرت و آنچه در ایران شعور و ذوق و مردانگی هست در این سلسله

آدمیت یک دل و یک جهت مجاهد طریقت فلاح هستند. در کل ولایات ایران و در اغلب شهرهای اطراف ایران جوامع متعدد داریم. در هر جامع امنای هنرمند به یک توفیق ربانی مشغول ترویج اصول آدمیت هستند. و الان در یک ملک که بعضی جهال و بزرگان کور به کلی مرده می‌پنداشتند هیچ گوشه نیست که آتش غیرت ملی مشتعل نباشد. و این قسم شیوع آدمیت نیست مگر از فیوض آن اصول و از کرامت آن طرح که مرشدین ما به ما تعلیم فرمودند. در این طرح و اصول ما که قطعاً به سر انگشت استاد ازلی ترتیب یافته نکته نیست که یک عقل سلیم و یک قلب با غیر فی الفور قبول نکند.

بنای حرف ما چیست؟

ما می‌گوییم خلق ایران غرق یک دریای مذلت هستند و راه استخلاص منحصر به این تدبیر است که علما و فضلاء ما در یک شورای ملی جمع بشوند و امور ملت را موافق اصول شریعت اسلام نظم بدهند. مشروع‌تر و شریف‌تر و مقدس‌تر و واجب‌تر از این مقصود چه آرزویی خواهد بود.

می‌گوئیم چنان مقصود مبارک به عمل نخواهد آمد مگر به اتفاق مردمان معقول و از برای اتفاق مردمان معقول باید دایره اتفاق طوری محدود باشد که اشخاص نالایق نتوانند داخل چنان اتفاق بشوند. مثلاً گذشته از اجنبی‌های نامناسب نمی‌توان هر مسلمانی را در چنان مجمع معقول راه داد زیرا که ممکن است کسی برحسب اسم مسلمان و بر حسب عمل دزد یا قاتل باشد. به این جهت اولیای علم شرط ناگزیر قرار داده‌اند که هر کس بخواهد داخل اتفاق آدمیت بشود باید اول خودش شخصاً آدم باشد. و در عالم اتفاق ما اثبات آدمیت مبنی بر قبول و اجرای این هفت فریضه ذیل است:

اولاً آدم باید از هر قسم بدی اجتناب بکند. هر کس به دیگری بدی بکند او آدم نیست.

ثانیاً آدم باید نیک نفس و خیراندیش باشد. و هر قدر بتواند مصدر خیر بشود. احسن کما احسن الله الیک.

و الله یحب المحسنین.

ثالثاً آدم باید منکر ظلم باشد. ظلم مخرب دنیاست.

الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم.

وابعاً آدم باید طالب قانون باشد زیرا که دفع ظلم ممکن نیست مگر به اجرای قوانین. قوانین مشروع ارکان عدل است و بالعدل قامت السموات.

خامساً آدم به حکم عقل و به حکم طبیعت باید با آدمیان متفق باشد. اتفاق قلعه عدل و مأمّن زندگی است. هر کس خود را از اتفاق آدمیت خارج بسازد به یک دیوانه می ماند که قلعه شهر خود را خراب و لشکر ظلم را دعوت به خانه خود نماید. من أغان ظالما فقد سلطه الله علیه.

سادساً آدم باید طالب علم باشد. هر کس طالب علم نیست به یک کوری می ماند که طالب بینائی نباشد.

اطلب العلم و لو كان بالصين.

سابعاً آدم باید سعی نماید که دیگران را هم به شرافت آدمیت برساند زیرا که قدرت آدمیت در جماعت آدمیت است.

الجماعه رحمة.

اینست آن هفت اصول عقلی که اولیای علم فریضة آدمیت قرار داده اند. ما به اقتضای این اصول شریک هر مظلوم، حامی هر حق، و دشمن هر تعدی هستیم. و در هر موقع به هزار شوق و منت به قدری که بتوانیم در اعانت اخوان آدمیت بذل مال و جان می نمائیم. ما به حکم عقل و به تعلیم عامه مرشدین دنیا احیای ملت و خیر دنیا و آخرت را در ترویج آدمیت می دانیم. و در این مجاهدت مقدس هیچ اسلحه نمی شناسیم مگر کلام حق و براهین عقل.

در اوایل امر محض این که امرای ظلم و جهال اطراف مایه زحمت ما نشوند به حکم استعینوا علی حوائجکم بالکتمان مجمع خود را در تحت یک پرده حکمت از انظار نالایق بری نگاه داشتیم. حال که توفیق الهی علمای دین و فضلالی عصر و معتبرین هر صنف، پیشوا و هم دست ما شده و دیگر از جانوران تعدی باکی نداریم، به هیئت اجتماع آمده ایم به طور آشکار در آستان مقدس اولیای شریعت خدا یک استدعای ملی می نمائیم. استدعای ما که از هر گوشه ایران به هزار نوع امیدواری به این محضر عام آورده ایم این است که حضرات عالی از روی یک توجه کریمانه معانی و کلمات و ظاهر و باطن معروضات ما را تحقیق فرمایند. هرگاه العیاذ بالله در اقوال ما برخلاف شریعت اسلام

یا بر ضد اصول معقولیت ذره خطا راه یافته باشد فی الفور ما را مطلع و متنبه بفرمایند. با نهایت ارادت حاضر هستیم که در اقدامات ما هر نقطه که عین صواب نباشد بلا تأمل اصلاح نمائیم. ولیکن هرگاه بعد از هر قسم تحقیق منظور اتفاق ما را صحیح بینید آن وقت تمنای ما بندگان و وظیفه دیانت حضرات عالی این خواهد بود که از روی ترحم این مسئله اتفاق ما را به برکات اتفاق و به همت ارشاد خود تقویت بفرمایند. در این طریقت اتفاق ما چنانکه از اول تا آخر مشهود آرای انور بوده هیچ لفظی تلفظ نکرده‌ایم و هیچ قدمی برنداشته‌ایم که راجع به خیر عامه نباشد. قصر امال ما تماماً مبنی است بر اجرای احکام عدل الهی و این احکام الهی را از هیچ جا و از هیچ کس نمی‌خواهیم مگر از دیانت و فضیلت شما. ما به جز انوار علم شما هیچ هادی نداریم. ما طالب همان علم و مشتاق همان عدالت و مطیع همان قوانین هستیم که انوار ارشاد حضرات عالی به ما تلقین بفرمایند. با چنین صفای نیت و با چنان علو منظور کدام مسلمان کدام ذی‌شعور یارای آن را خواهد داشت که در میان این دریای مصایب اعانت خود را از این اتفاق مقدس مضایقه نماید. در حالتی که پیره زنان کفار بر شداید روزگار ما به رقت ترحم می‌کنند شما که ائمه قوم خدا و مظهر رحمت الهی واقع شده‌اید شما که مشعل طریقت آدمیت و بهترین امید عالمیان هستید چه‌گونه می‌توانید در میان این طوفان بلا که تمام ملت را احاطه کرده است بی‌طرف بنشینید. با آن قدرت اعجاز که همیشه در نفس مجتهدین اسلام موجود بوده هر یک از حضرات عالی به تنهایی قادر احیای یک ملک هستند. کلام هر یک از آن موالی در حفظ حقوق مسلمانان بیش از هر لشکر مظفر کارگر خواهد بود. با چنان کرامت ربانی چه حق خواهید داشت که این همه بندگان خدا را در این وادی ظلمت از فیوض ارشاد خود محروم بگذارند. چه اشکالی خواهد بود که از بالای این منابر که همه ساکت و خالی مانده به یک زبان الهام نشان روح پژمرده این خلق مستمند را اقلاً به یک نوید فلاح تسلی بدهید. وقت است به‌خاطر بیاورید که ائمه اطهار چه نوع سرمشق‌های غیرت از برای امت خود باقی گذاشتند. وقت است که به پیروی سروران اسلام رایت نصر من الله و فتح قریب به ید ارشاد خود محکم بگیرد و به طوایف روی زمین بنمائید که وقتی خادمان شریعت خدا بخواهند یک ملت مظلومی را نجات بدهند مظهر چه همت و مصدر چه کرامت می‌شوند.

۲. عریضه‌ای به محضر آیه‌الله میرزا محمدحسن شیرازی

عریضه‌ای حضور باهرالنور جناب مستطاب حجت‌الاسلام ملاذ المسلمین نائب‌الائمة المعصومین آقای میرزا محمدحسن شیرازی سلمه‌الله تعالی.

ما عموم اهل ایران که مهجور از وطن عزیز در ممالک عثمانی متفرق هستیم از آن توجهات ربانی که این اوقات از طرف قرین الشرف آن محبت شریعت غرا در حق ملت ایران به ظهور رسیده، حمد بی‌کران و تشکر بی‌نهایت را به هزاران افتخار معروض آن آستان مقدس می‌داریم.

مدتی بود که ما مظلومین ایران در میان یک دریای مصائب از ترحم علمای دین خود به کلی مأیوس شده بودیم. دست تفضل آن حجت کبری به ابراز یک نور ناگهانی چشم و قلب ما را منور ساخت.

در وقتی که غاصبان حقوق ملت در کام روائی خود مست غرور بودند به یک اشاره انگشت ارکان هستی آن‌ها را متزلزل و کل ممالک اسلام را مملو یک حیات تازه فرمودید. به ظهور این قدرت آسمانی بر کل عالم بیش از همه وقت مبرهن ساختید که روح اسلام هنوز مالک مقدرات دنیا است.

بدیهی است که پس از طلوع چنان آفتاب نجات، چشم داشت ایرانیان نباید در دایره جزئیات محدود بماند. فقره فروش تجارت تنباکو به اجانب یکی از فروعات آن مظالمی است که بر این ملت اسلام حمل کرده‌اند. کدام تعدی، کدام ستم، کدام شرارتیست که سیل خرابی‌های آن را از هر طرف بر ملک ما جاری نکرده باشند! جان و مال و عیال و ناموس و جمیع وسائل زندگی ما را بازیچه اقبیح رذالت‌های تاریخ ساخته‌اند.

در این ظلمات خاکساری چه رغبت کسب، چه فرصت عبادت، چه فایده زندگی. عمال ظلم تا این اواخر ما را به فریب این مضمون مشغول کرده بودند که فقر و ذلت لازمه اسلام و ترقی و شوکت حق کفار است! ضلال این عقیده حال بر ما به درستی آشکار شده است. به هزار دلیل مبرهن می‌بینیم که اسلام هر قدر جامع سعادت اخروی است به همان پایه نیز باید در این دنیا محرک آبادی و مربی ترقی باشد. با وصف این حقیقت آشکار چرا باید ما به یمن تربیت آفتاب شریعت غرا از هر جهت اشرف ملل

روی زمین نباشیم.

شکی نیست که در مقابل این عقیده پاک ما اولیای ظلم در محافل و در روزنامه‌جات خود فریاد خواهند کرد که عارضین این عریضه جاهل و بی‌دین و خائن هستند. بلی جهل ما اینست که می‌گوئیم حقوق و وسائل زندگی ملت را نباید به اجانب فروخت. علمای دین و اولاد رسول خدا را نباید به این شاعت‌های نگفتنی ذلیل و در به در کرد.

می‌گوییم خلق ایران را نباید در تحت این کوه‌های ظلم تا ابد مدفون نگاه داشت. می‌گوییم مسلمانان ایران باید از جان و مال خود اقلأً به قدر اسرای سائر ملل مطمئن باشند.

بی‌دینی ما اینست که می‌گوییم مناصب دیوان و خزائن ملت عوض این که مثل امروز به دلخواه اراذل الت خرابی دین و دولت باشد باید به دست فضیلائی ملت اسباب سعادت عام بشود.

خیانت بزرگ ما اینست که می‌گوئیم کشتی دولت ما در میان این طوفان سفاهت حکماً منعدم خواهد شد و به حکم هر قانون شرعی و عقلی بر ذمه علمای دین واجب است که بلا تأخیر یک مجلس شورای کبرای ملی ترتیب بدهند و موافق اصول شرع مقدس حقوق ملت و شرائط بقای دولت را آن‌طوری که باید مقرر و مستحکم بسازند. در این آرزوهای ما کدام نقطه‌ایست که مطابق اصول اسلام نباشد؟ در بیان مطالب هر قصوری که رفته باشد حقیقت مسلم اینست که از برای نجات ایران امروز حواس و روح و امید کل ما بندگان متوجه آن عتبات عالیات است. قبله حاجات ما در آن درگاه سعادت و ستاره هدایت ما در آن وجود شریف است. هر راهی که بنمایند عین فلاح و هر امری که بفرمایند فریضه مطلق خواهد بود.

هیچ حاجت به عرض نیست که عموم آدمیان ایران در این ارادت و اطاعت نسبت به آن ذات مقدس با ما کاملاً شریک و هم عهد هستند و اگر عرایض ایشان مستقیماً به آن آستان سعادت نمی‌رسند سبب آن همین استیلائی ظلم است که جمیع حقوق آدمیت حتی اختیار کلام و حق عریضه نگاری را هم از افراد ما تماماً غصب کرده است.

چون ما که از مظالم ایران پناه به این دولت اسلام آورده در ظل رأفت این شاهنشاه

عدالت پرور حق زندگی و مقام حرف پیدا کرده‌ایم واجب می‌دانیم که یک سبب عمده خرابی ایران را در سده سینه آن محیی شریعت به طور مخصوص بیان و رفع آن را از همت آن ذات مقدس مستقیماً استرحام نمائیم.

سبب خرابی ایران، تنها در فساد ریاست نیست، سبب عمده آن در یک عقیده باطل ایست که به واسطه غفلت علما در میان جهال این ایام شیوع یافته است. امرای ظلم و معلمین تملق به این خلق ساده‌دل چنان حالی کرده‌اند که خدمت این دستگاه جور عمل مشروع و اطاعت آن بر عامه ملت واجب است. به استظهار این عقیده فاسد جمعی از اراذل دور این دستگاه را گرفته، مباشرت هر نوع تعدیات آن را از جمله تکالیف مسلمانی خود قرار داده‌اند.

می‌گویند ما نوکر دیوان هستیم و آنچه به امر دیوان می‌کنیم بر ما بحثی نیست، زیرا که المأمور معذور.

به اعتبار این مضمون مصل، خدمت ملت را با میرغصبی دیوان مشتبه کرده، هیچ شناعتی نیست که به امید یک لقمه طعمه حرام بر وطن و بر برادران خود جاری نسازند. به درستی عرض می‌کنیم امروز منشأ اعظم بلاهای ایران در کفر همین عقیده‌ایست که اطاعت این دستگاه را در نظر عوام عمل مشروع و اوباش قوم را به القاب مختلف آلت هر نوع شقاوت دیوانی ساخته است.

ما اهل ایران هرگز بی‌غیرت نبوده‌ایم ولیکن در ملکی که اطاعت ظلم را تکلیف شرعی و تمکین هر قسم نامردی را لازمه دین‌داری قرار داده باشند چگونه ممکن است که خلق آن ملک در یک دریای مذلت هر روز فروتر نروند. باید در این جا بی‌پرده عرض نمائیم که از مشاهده این حال غرق حیرت هستیم که آیا علمای دین مبین چگونه راضی شده‌اند که چنان اشتباه آشکار در ملک ما منشأ آن همه مصائب بی‌انتها شده باشد.

رفع این اشتباه از برای رؤسا دین چه اشکالی خواهد داشت.

هرگاه فردا علمای عظام در مساجد ایران اعلام فرمایند که اجرای اوامر ظلم منافی روح اسلام و مخرب آسایش عالم و مستوجب قهر الهی است کدام ظالم است که در مقابل چنان اعلام عام از مستی غرور خود سراسیمه بیدار نشود؟

شکی نیست که علمای اسلام کاملاً قادر هستند که در ظرف چند روز این دستگاه

ظلم را در نظر عامه مسلمین به طوری مورد لعن و به نحوی محل نفرت عام بسازند که دیگر هیچ بی‌دین جرأت نکند نزدیک چنان دستگاه منفور برود.

از برای علمای عصر چه افتخاری بالاتر از این که بدون هیچ خون‌ریزی فقط به قوت کلام حق این دولت اسلام را از چنگ این جانوران ملت خور خلاص و آئین عدل الهی را مجدداً اسباب سعادت امم روی زمین بسازند.

حصول این نعمت عظمی امروز مسلماً در ید قدرت علمای دین مبین است.

از همت ایشان توقع ما فقط اینست که از بالای منابر اسلام دستگاه ظلم و معاونت ظلم و اطاعت ظالم را جهراً و صراحه لعن و تکفیر نمایند.

انهدام بنیان ظلم و شکست جمیع زنجیرهای اسارت و احیای دین و دولت اسلام موقوف به این یک فتوای ربانی است.

پس ای قبله امم، ای ملاذ مسلمین، ای محیی ملت، ای آفتاب آسمان شریعت! در اعلام این فتوای عدل الهی چه تأمل دارید.

مقدرات حکمت ازلی هر چه باشد کل کاینات شاهد است که روح اسلام منتظر ندای چنان فتوای حیات‌بخش [است] و ما عموم آدمیان ایران به ایمان پاک و به قوت باطن اسلام مهیای اجرای هر امر آن عرش انوار هدایت هستیم. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی